



# رجاوندان شهر امید

**یورگن هابرماس**  
دگرگونی ساختاری حوزه عمومی  
کاوشی در باب جامعه بورژوازی



ترجمه جمال محمد

**جلسه ارائه کتاب**  
توسط: آقای علیرضا اعتباریان

در این جلسه برآنیم تا با هم به پرسش های زیر بپایانیشیم:

- حوزه عمومی و حوزه خصوصی چیست؟
- حوزه عمومی چه تفاوتی با جامعه مدنی دارد؟
- حوزه عمومی چگونه توسط جماعت کتابخوان شکل گرفت؟
- شرایط گفتگو در حوزه عمومی چیست؟
- افکار عمومی چگونه در حوزه عمومی شکل می گیرد؟

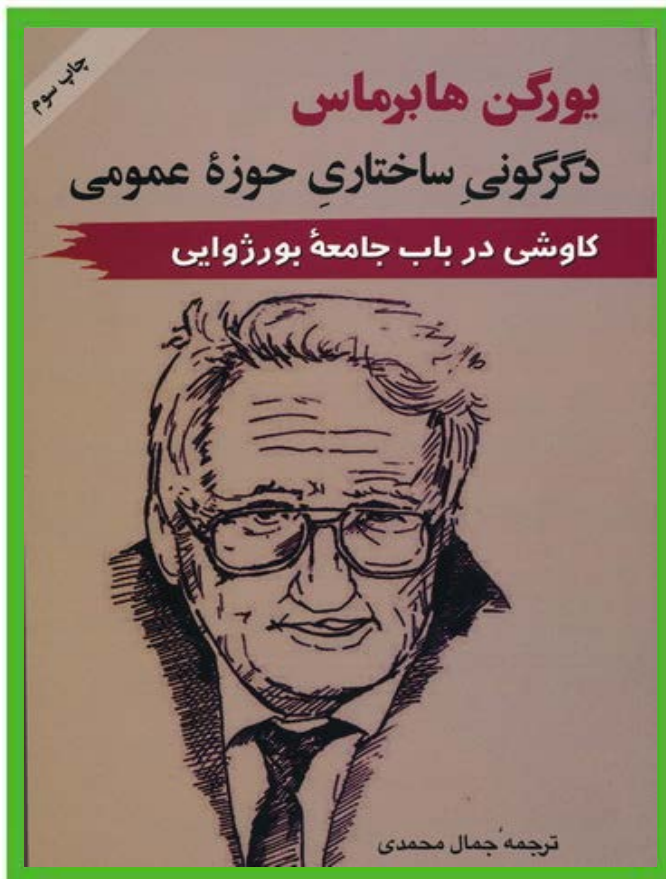
**۱۷ شهریور ۱۳۹۹**  
ساعت: ۲۱:۰۵ تا ۲۳:۰۰



## آگاهی شاد است، آزادیست



## رجاوندان شهر امید



ارائه دهنده: علیرضا اعتباریان

تاریخ: ۱۳۹۹/۶/۱۷

مکان: نرم افزار GoToMeeting

شماره جلسه: ۲۴



یورگن هابرماس (1929/ آلمان)

در دوران آلمان نازی بزرگ شد  
در دهه ۱۹۵۰، هابرماس آثار لوکاچ را خواند و به شدت تحت تأثیر قرار گرفت.

فیلسوفان و نظریه پردازان اجتماعی معاصر و وارث مکتب فرانکفورت است  
و در چارچوب سنت نظریه انتقادی و پراگماتیسم آمریکایی کار می‌کند

کتاب "دگرگونی ساختاری حوزه عمومی" در سال 1962، به عنوان اولین اثر توسط هابرماس نوشته شد. 27 سال بعد یعنی در سال 1989 توسط مکارتی به انگلیسی ترجمه شد.



## مقدمه و چکیده:

- حوزه عمومی عبارت است از یک فضای آزاد و یا قلمرویی که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز، علنی و همگانی گردهم می‌آیند.
- **بورژوازی:** این حوزه در یک مقطع خاصی تاریخی و توسط بورژواهای قرن هفده به وجود آمده است. هرچند در ادامه و در مباحثشان، اختصاص به بورژواها نداشت و همگان در آن شرکت می‌کردند.
- **عمومی:** این مباحث اختصاص به عده‌ای نداشتند بلکه هرکسی بالقوه برایش حضور در این قلمرو ممکن بود، برخلاف حوزه عمومی یونان.
- **حوزه عمومی** در قلمروهای مختلف قابل تصور است؛ مانند حوزه عمومی سیاسی، ادبی، دینی، جامعه‌شناسی، روشنفکری و... . البته وقتی به صورت مطلق آورده می‌شود منظور حوزه عمومی سیاسی است.





➤ بنابراین حوزه عمومی یعنی فضای بازی که در آن ارتباط آزاد و کنش آزاد شکل می‌گیرد و محصول آن افکار عمومی است.

هابرماس معتقد است که در ابتدای سرمایه‌داری و دوره لیبرالیسم، حوزه عمومی شکل گرفته بود اما در اواخر رو به افول نهاد

➤ هابرماس در بخش اول، پیدایش حوزه عمومی آنهم برای اولین بار در انگلستان و در سنت فلسفی سیاسی را توضیح می‌دهد و می‌گوید که حوزه عمومی از زمانی بوجود آمد که جامعه از دولت تفکیک شد.

➤ در ثلث آخر کتاب، روند افول حوزه عمومی را در اثر دخالت دولت در امور خصوصی و نیز حل و جذب شدن جامعه در درون دولت توضیح می‌دهد.



## فصل اول:

□ در فصل اول این کتاب به بررسی ریشه‌های تاریخی حوزه عمومی از عصر دولت - شهرهای یونان، عصر قرون وسطی و فنودالیسم تا دوره سرمایه داری مدرن (متأخر) پرداخته شده است

## یونان باستان:

□ در یونان باستان، حوزه عمومی، جایی بود که در آن شهروندان آزاد درباره مسائل مختلف به عنوان افراد برابر با یکدیگر رفتار می‌کردند اما از سوی دیگر شهروندان تلاش می‌کردند از دیگران پیش بیافتند.

□ افرادی که توانایی بیشتری در سخنرانی را داشتند فرصت بیشتر برای صحبت کردن نیز داشتند.



- حوزه عمومی در عصر باستان جایی بود که فضایل مورد نظر ارسطو در آنجا آزمون می‌شد.  
در مقابل این حوزه عمومی، خانواده حوزه خصوصی بود
- آگورا به میدان‌های عمومی مهم در شهرهای یونان باستان گفته می‌شد، که نقش مرکزیت شهر را ایفا می‌نمود.
- در وسط آگورا، معمولاً مراسم عمومی و مذهبی و همچنین برخی جشن‌ها برگزار می‌شد.



معروفترین آگورا در تاریخ یونان باستان آگورای  
آتن بود که معمولاً اجتماعات عام در آنجا  
صورت می‌گرفت.

به موجب این قانون از مردم در مورد تبعید یا  
نفی بلد اشخاص (معمولاً اشخاص مقتدر و  
متشخص) رأی‌گیری به عمل می‌آمد

محوطه آگوراها از نوعی حرمت و قداست نیز  
برخوردار بوده‌اند.







## قرون وسطی

- به خاطر عدم تفکیک بین دولت و جامعه، حوزه عمومی و خصوصی به معنای مدرن نیز مطرح نبود.
- عمومیت مبتنی بر نمایندگی بوجود آمد. یعنی هر آنچه داخل در قلمروی دولت بود عمومی و بیرون از آن خصوصی گفته می‌شد.
- پادشاه، ارباب، اشراف و کلیسا دارای منزلت بودند پادشاهی چیزی بود که باید به صورت عمومی بازنمایی می‌شد.



این عمومیت که ابتدا اربابان نیز در آن سهم داشتند در اواخر به پادشاه اختصاص یافت. عمومیت مبتنی بر نمایندگی در قرن پانزده در دربارهای فرانسوی به اوج خود رسید.

بعد از اواسط قرن 16، برای نخستین بار حوزه عمومی و خصوصی مطرح شد. عمومی یعنی دولت و دولتی و هر آنچه در قلمروی دولت است، مانند ادارات و ارتش و خصوصی یعنی هر آنچه بیرون از حیطه دولت باشد.



- عناصر سرمایه‌داری از قرن 13، از دولت - شهرهای شمال ایتالیا گسترش یافت. ابتدا مرکز فروش کالاهای عمده شکل گرفت. هم‌زمان با مبادله کالا، مبادله خبر نیز به وجود آمد
- تجار مسائلی عمومی را نیز در مطبوعات درج کرد و در اواخر قرن 17، تمام اخبار و سایل آن در دسترس عموم قرار گرفت.
- در قرن ۱۷ با رشد سرمایه داری و ظهور نشریات ، قشر جدید فرهیخته بورژوا شکل گرفت.
- کارکنان رسمی دولت به ویژه حقوقدانان، اعضای اصلی این قشر بودند. در ادامه پزشکان، کشیشان، افسران، دانشمندان و پژوهشگران نیز به این قشر پیوستند.



## طبقه کتابخوانان!

- جماعت در شهر دور هم جمع شدند و اخبار و مطبوعات را در دست گرفته و در برابر دولت قرار گرفتند. از اینجا بود که بین شهر و دربار، جامعه و دولت فاصله افتاد و تفکیک به وجود آمد.
- حوزه خصوصی شامل بازار و خانواده می‌شد که بازار، مرکز فعالیت‌های خاص اقتصادی بود
- و خانواده، به عنوان هسته مرکزی حوزه خصوصی بود.





## جامعه مدنی

خانواده  
نهاد بازار  
تشکل های صنفی و  
مدنی

## حوزه عمومی

فضاهای عمومی (کافی  
شاپ، قهوه خافضاهای  
عمومی (کافی شاپ، قهوه  
خانه و کتابخانه و ..)  
رسانه های  
عمومی (روزنامه،  
تلویزیون و اینترنت ..)  
شبکه های اجتماعی

## دولت

نهاد ها و سازمان های  
دولتی و  
حکومتی (وزارتخانه،  
قضاییه، مجلس و ..)  
دربار  
قصر  
دارالحکومه  
بیت  
..





- قشر فرهیخته ابتدا به خواندن و نوشتن به ویژه رمان‌نویسی و رمان‌خوانی و موسیقی و ادبیات روی آوردند.
- در نتیجه آگاهی‌های عمومی بالا رفت. مردم به نوعی خودآگاهی رسیدند و در ادامه، متوجه کاستی‌های دولت شدند و شروع کردند به نقد علیه دولت.
- بنابراین ابتدا حوزه عمومی ادبی شکل گرفت و سپس از دل این حوزه ادبی، حوزه عمومی سیاسی تشکیل شد.
- و شهر نه فقط به لحاظ اقتصادی، مرکز جامعه مدنی بود، بلکه مرکز مباحثات فرهنگی و سیاسی نیز بود.



## فصل دوم: ویژگی‌های حوزه عمومی بورژوازی

➤ محل این گفت‌وگوهای آزاد، سالن‌ها در فرانسه، قهوه‌خانه‌ها در انگلستان و محافل بحث و انجمن‌های ادبی در آلمان بود. شهر از دربار جدا و به مراکز نقد دربار تبدیل شد.

➤ 1- همه آنها از روابط اجتماعی که در آن به برابری افراد و عدالت اجتماعی تکیه می‌شد، حمایت می‌کردند.

➤ 2- بسیاری از مسائلی که تا آن زمان، هرگز مورد بحث قرار نگرفته بود، مورد بحث قرار می‌گرفت؛ مثلاً کلیسا به خاطر هاله قدسی‌ای که پیدا کرده بود،

➤ 3- در این مکان‌ها به منزلت‌ها و موقعیت‌های افراد هرگز توجه نمی‌شد بلکه هرکسی استدلالش قوی بود، مورد توجه قرار می‌گرفت.



➤ **سالن‌های فرانسه بیشتر توسط زنان اداره می‌شد** و در آن سه قشر افراد خصوصی مشغول کار تولید، افراد ذی-نفوذ در امر سرمایه‌داری و نیز دانشگاهیانی از طبقه متوسط گردهم می‌آمدند؛

➤ **قهوه‌خانه‌های انگلستان بیشتر به دست مردان اداره می‌شد**. از اواسط قرن 17، چای و شکلات و قهوه به نوشیدنی‌های رایج تبدیل شد و افراد در ضمن چای خوردن به مسائل اجتماعی نیز می‌پرداختند.

خانواده هسته‌ای ابتدا در انگلستان توسط اشرافیت تاجرپیشه به وجود آمد. این تغییر شکل در خانواده باعث تغییر در شکل خانه‌سازی، آرایش اطاق‌ها و حتی مباحثات و روابط اجتماعی و خانوادگی نیز شد.

➤ اما محافل بحث و انجمن ادبی آلمان نسبت به سالن‌ها و قهوه‌خانه‌ها، هم فعالیت کمتری و هم تعداد افرادی کمتری داشت و از سیاست عملی نیز دور بود.





## فصل سوم: کارکردهای سیاسی حوزه عمومی

حوزه عمومی سیاسی ابتدا در بریتانیا و در اوایل قرن هجدهم شکل گرفت. در همین زمان در بقیه اروپا حوزه عمومی ادبی فعالیت می‌کرد.

نزاع‌های قدیمی بین زمینداران و بازرگانان را به منازعه جدید یعنی منازعه بین سرمایه‌داری تجاری و سرمایه‌داری صنعتی و نیز میان بازاریان قدیم و جدید تبدیل کرد

تأسیس بانک انگلستان، برچیده شدن سانسور و سوم تأسیس اولین دولت کابینه‌ای حزب توری با پشتوانه قرار دادن افکار عمومی و نقد دولت و بعداً پارلمان به مرکز حوزه عمومی تبدیل شد. در فرانسه تنها بعد از انقلاب فرانسه توانست به اهداف انتقادی‌اش دست پیدا کند. در آلمان در دهه‌های واپسین قرن هجدهم نشریات سیاسی به تبیین افکار عمومی پرداختند



## ➤ کارکردهای حوزه عمومی:

1. حوزه عمومی باعث تجارت آزاد بود. دولت نباید در امور بازار دخالت کند و تمام معاملات بر مبنای محاسبه سود و زیان مادی است. "منزلت" جای خود را به "قرارداد" داده باشد

2. مهمترین کارکرد حوزه عمومی، "منشاء و مبنای قانونگذاری حقیقت است و نه قدرت" تثبیت کرد. هرگونه قانونگذاری باید مبتنی بر افکار عمومی و برآمده از مباحثات حوزه عمومی باشد.

حقوق "عموم" در حوزه عمومی به رسمیت شناخته شد

حقوق انسان‌ها به عنوان موجوداتی آزاد در حوزه خصوصی خانواده

حقوق مالکان خصوصی سرمایه در جامعه مدنی تصویب شد

"عمومیت" به اصل سازمان دهنده تمامی ارگان‌های دولتی تبدیل شد.



جهان زندگی	روابط مبادله‌ای	سیستم
حوزه خصوصی خانواده، دوستان	نیروی کار → دستمزد (بول) ← کالاها و خدمات (بول) ← تقاضا (بول) →	بازار اقتصاد
دانش ↑ هنجارها ↓ نمادها ↓ تجارب ↓ (ارتباط)	مالیات (بول) ↘ خدمات (بول) ↙ رای (بول) ↘ تصمیمات سیاسی (قدرت) ↙ تقاضا (بول) ↗ کالاها و خدمات (بول) ↘	↓ کالاها و خدمات (بول) ↑ تقاضا (بول) ↓ مالیات (بول) ↑ خدمات (بول) ↑ تصمیمات سیاسی (قدرت)
فرهنگی حوزه عمومی سیاسی	مالیات (بول) → خدمات (بول) ← تصمیمات سیاسی (قدرت) ← وفاداری توده‌ای (قدرت) →	دولت اجراء



## ➤ فصل پنجم: دگرگونی ساختاری – اجتماعی حوزه عمومی

حوزه عمومی در میدان تنش بین دولت و جامعه مدنی پرورش و تکامل یافت. اما عمر این جدایی و دوره لیبرال در اواخر قرن نوزدهم به پایان رسید

دولت ملی به مداخله کردن در حوزه خصوصی از طریق گسترش آموزش همگانی پرداخت و نظام بازار را به کنترل خود درآورد.

"دولتی شدن جامعه" و "نفوذ جامعه در درون دولت" تفکیک دولت و جامعه را از بنیان خراب کرد

با بحران 1873، اصول تجارت آزاد را رها کرده و از نظام صنایع داخلی پشتیبانی کردند  
تامین خدماتی، بیمه اجتماعی و تحت پوشش قرار دادن افراد ضعیف، رفع بیکاری و... از کارکردهای جدید دولت بود.





## فروپاشی خانواده هسته‌ای

➤ در دوره لیبرال، حوزه خانواده در بازار معامله می‌کرد اما با جذب شدن افراد خصوصی در کارها و فعالیت‌های دولتی و کارمند شدن، کارکرد تولید و بازتولید خانواده کاملاً از بین رفت.

**خانواده محلی تفریح اوقات فراغت شد و در ایام کار باید خانه ترک می‌شد**

در ایام کار که فرصت مباحث پیش نمی‌آمد و در اوقات فراغت و در محیط خانواده نیز برای رفع خستگی کار باید به تفریح گذرانده می‌شد

**نهاد خانواده کاملاً آسیب دید و منزوی شد.**

کارکرد اقتصادی و آموزشی و تربیتی خانواده از آن گرفته و به عهده دولت گذاشته شد؛ در نتیجه از اقتدار والدین نیز کاسته شد.



- افراد در حوزه خصوصی زندگی، به کسب معلومات می‌پرداختند و سپس وارد حوزه عمومی می‌شدند، اما بعد از قرن نوزدهم، **نه خانه محل کتابخوانی بود و نه قلمروی کار**
- یکی از زمینه‌های فروپاشی حوزه عمومی، فروپاشی محیط خانواده به عنوان مرکز و هسته حوزه خصوصی بود.
- حاکمیت فرهنگ توده‌ای باعث شد مردم بیشتر علاقه‌مند مصرف کالاهای فرهنگی شوند.
- "عموم" یا جماعت منتقد به دو گروه تبدیل شده است:
  1. متخصصان که خردشان را به شیوه‌ای غیر عمومی به کار می‌برند، یعنی دوست ندارند در انظار عموم حاضر شوند
  2. توده‌های مصرف‌گر فرهنگ که توان انتقادی‌شان را در فضای عمومی از دست داده‌اند.



## عمومیت فریبکارانه!

- با زوال مباحث انتقادی در حوزه عمومی، دو دسته از نهادها این رسالت را به عهده گرفتند:
- یکی تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و اصنافی که از حوزه خصوصی ریشه گرفته بودند و به دنبال منافع خصوصی عده خاصی بودند
- دوم احزابی که از حوزه عمومی منشعب شده و با سازمان‌های دولتی جوش خورده و به شدت از عموم فاصله گرفته بودند.
- در دوره لیبرال، "عمومیت" از پایین به بالا بود، اما امروزه "عمومیت" از بالا به پایین است.
- "عمومیت فریبکارانه" بجای "عمومیت انتقادی" نشسته است.



## فصل ششم: تغییر در کارکرد سیاسی حوزه عمومی

- فعال‌سازی ژورنالیسم ادارات، احزاب و سازمان‌ها، تغییر کارکردی انتقادی حوزه عمومی به مثابه صحنه نمایش و بازفئودالی شدن حوزه عمومی از جمله تغییرات اساسی است که در کارکردهای حوزه عمومی در عصر سرمایه‌داری مدرن روی داده است.
- تصمیمات پارلمانی در پشت درهای بسته از یکسو در خدمت خواسته‌های رسمی است و از سوی دیگر، بدین منظور است تا وفاق درون حزبی را به رخ مردم بکشند.
- هم حوزه عمومی و هم افکار عمومی تحت تبلیغات رسانه‌های مشخص و دارای منافع خاص‌اند که استقلال از خود ندارند و ساختگی‌اند تا خودجوش و طبیعی.





## ➤ فصل هفتم: افکار عمومی

➤ افکار (عناصر و اجزا مسلم یک فرهنگ، اعتقادات، باورهای هنجاری و پیش داوری های جمعی به شمار می آیند) دارای ساختاری نیمه طبیعی است که در طول تاریخ تقریباً دست نخورده و بدون تغییر باقی مانده است

➤ افکار عمومی دارای ساختاری غیر طبیعی یا تصنعی ساخته ی شرایط محیط انسانی، سازه ای است برآمده از نیاز ها و مقتضیات متحول و افزایشی توده های انسانی

➤ افکار عمومی تنها در صورتی قادر به شکل گیری است که مقوله ای به نام "عموم" وجود داشته و در مباحثات عقلانی درگیر باشد. بنابراین افکار عمومی از یک سو با نیاز ها، مطالبات، خواسته ها و اراده ی عموم مرتبط است و از سوی دیگر مبتنی بر حضور عموم و عمومی در تعامل اذهانی و کنش های کلامی عقلانی است.



## شاخص‌های ایده آل حوزه عمومی



امر عمومی  
افکار عمومی  
خیر عمومی  
گستره عمومی  
استفاده عمومی از عقل  
توسط افراد خصوصی  
(انسان ناب)



## نگاهی به سابقه حوزه عمومی در ایران







➤ نقطه آغاز شکل‌گیری حوزه عمومی در انگلیس [بریتانیا] با قهوه‌خانه‌ها آغاز می‌شود. نشانه‌های اولیه قهوه‌خانه‌ها در بریتانیا به قرن هفدهم باز می‌گردد. اولین قهوه‌خانه‌ها را بازرگانان شرق مدیترانه در اواسط قرن هفدهم بنا کردند. تا دهه اول قرن هجدهم، در حدود سه هزار قهوه‌خانه در لندن وجود داشت که هر یک از قواعد خاص خود پیروی می‌کردند

در قهوه‌خانه‌های انگلیسی، ادبیات مشروعیت خود را توجیه می‌کرد و سپس به دلیل حفظ کارکردهای اجتماعی ویژه اشرافی که در این قهوه‌خانه‌ها با بورژوازی والا هم‌نشین می‌شدند، بحث‌های انتقادی در عرصه هنر و ادبیات وارد عرصه سیاست و اقتصاد شد. از طرف دیگر تنها مردان اجازه حضور در قهوه‌خانه‌ها و شرکت در گفت‌وگوها را داشتند.



از لحاظ زمانی، همزمانی میان رواج قهوه‌خانه‌ها در دو کشور ایران و انگلیس را می‌توان مشاهده کرد.

نخستین قهوه‌خانه‌ها در دوره صفویه و به احتمال زیاد در زمان شاه طهماسب در شهر قزوین پدید آمدند و در زمان شاه عباس اول در شهر اصفهان توسعه یافتند.

در تذکره نصر آبادی، تصویری که از قهوه‌خانه‌های اصفهان، پایتخت ایران آن زمان ارائه شده است بسیار شباهت به مراکز ادبی دارد که به ویژه در انگلیس وجود داشت.

بنا به روایت این تذکره، قهوه‌نوشی و دیگر نوشیدنی‌هایی که بعدها در زمره محرّمات به حساب آمد در این قهوه‌خانه‌ها رواج داشت. همچنین در تذکره از حضور شعرا و ادبا در قهوه‌خانه یاد شده است. به ویژه از **شاهنامه‌خوانی، ابومسلم‌خوانی** و طرح مباحث اجتماعی سیاسی یاد شده است





حکم به حرام بودن شرب خمر که تا قبل از آن به واسطه اراده پادشاهان صورت می‌گرفت در اواخر قرن هفدهم به مثابه دستوری شرعی درآمد و در سال 1695 حکمی از ملا محمد باقر مجلسی صادر شد و به اعتبار آن شرب خمر به تاکید منع شد

موسیقی، رقص، نقاشی و شطرنج نیز در زمره محرمات درآمد و دستورات مذهبی در حرمت آن صادر شد.

قهوه‌خانه‌ها را هم که شمار آن‌ها در اصفهان به 100 عدد می‌رسید بستند و حتی کوشیدند قرائت ابومسلم‌نامه را هم که جایی ویژه در فرهنگ عوام داشت و در محافل عمومی خوانده می‌شد یک‌سره منع کنند



تاورنیه از خشم شاه عباس از طرح مباحث دولتی در قهوه‌خانه سخن گفته است و بنابراین به گفته او تلاش کرد موضوعات مذهبی را جایگزین آن کند. مسئله خوانی توسط ملاها، رواج تاریخ‌خوانی پادشاهان و شعرخوانی از جمله این راهکارها بوده است

در دوره جدید قهوه‌خانه‌ها به شکل «جماعه» با کارکرد محدود درآمد. در این زمان می‌توان قهوه‌خانه را به محلی برای استراحت، تفریح، غذاخوردن، مرکزی برای کاریابی و به کارگیری، محل ایجاد ارتباط بین اقشار مختلف جامعه و همچنین به محلی برای پخش اخبار و شایعات دانست

قهوه‌خانه قنبر، قهوه‌خانه تنبل، قهوه‌خانه باغ اناری و قهوه‌خانه سرگذر نیز محل گردآمدن دیگر اصناف طبقه متوسط بودند؛ با این وجود هر نوع مباحثه پیرامون مسائل مملکتی و حتی روزنامه‌خوانی در این قهوه‌خانه‌ها ممنوع بود.



## نقدهایی در مورد کتاب





## سازمان مردم نهاد "رجاوندان شهر امید"

با ایمان به تاثیر ارتقاء خودکامی جمعی بر عبور از مسائل فراراه توسعه ایران عزیزمان بر آن است تا با همه کسر کردن مطالعه کتاب های مرتبط با این حوزه گامی هر چند کوچک در این مسیر بردارد.

مجموعه اسلایدیانی که مشاهده شد، مربوط به یکی از جلسات ارائه کتاب بوده  
شما نیز می توانید با پیوستن به این حرکت جمعی، چراغ خویشتن بر فروزید و هر یک نوری باشیم در عبور از تاریکی ها

همراه شو عزیز...